

## تبیین مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در آیات قرآن: مرور نظام‌مند



مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲  
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

سهراب حاتم‌زاده\*

به‌رنگ اسماعیلی شاد\*\*

محمدحسین میرزامحمدی\*\*\*

محبوبه سلیمان‌پورعمران\*\*\*\*

10.22034/JKSL.2023.353175.1132

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام شده در مورد تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی برای پاسخ‌گویی به این پرسش است: این پژوهش‌ها با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، برای تمدن‌سازی اسلامی چه مولفه‌هایی ارائه می‌دهند؟ در پاسخ به این پرسش از طریق روش مرور نظام‌مند، ۶۰۵ پژوهش در زمینه موضوع مدنظر، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ که در نشریه‌های علمی معتبر داخلی ارائه شده‌اند، ارزیابی و در نهایت ۲۰ مقاله به صورت هدفمند انتخاب شد؛ و با تحلیل محتوا و ترکیب نظام‌مند ادبیات مربوط، این نتایج بدست آمد که مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در آیات قرآن، در دو حوزه قابل دسته‌بندی است: ۱- نظام‌سازی؛ شامل: شکل‌گیری دولت مقتدر و باکفایت اسلامی، شکل‌گیری جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی، شکل‌گیری نظام اقتصادی رشدیافته و بالنده و شکل‌گیری نظام فرهنگی مطلوب. ۲- زیرنظام‌های تمدنی؛ شامل: عدالت‌گستری، علم‌گرایی و تولید آن، آزادی و آزاداندیشی، عقلانیت و خردورزی، اخلاق‌مداری، ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه، وحدت‌گرایی و انسجام، قانون‌مداری، امنیت، تولید فکر و نظریه‌پردازی، بکارگیری نخبگان علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ نظم و انضباط، استقامت اجتماعی، ارزشمند شمردن کار و تلاش در جامعه، توسعه و رفاه عمومی، مبادله معرفتی با دیگر جوامع و ملل، نگرش توحیدی، آینده‌نگری، تساهل و مدارا. **واژگان کلیدی:** تمدن‌سازی اسلامی، نظام‌سازی، آیات قرآن، مرور نظام‌مند، تحلیل محتوا.

\* دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.  
sh1o25525@gmail.com

\*\* استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول).  
behrang\_esmaeeli@yahoo.com

\*\*\* دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.  
mirzamohammadi@shahed.ac.ir

\*\*\*\* استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.  
m.pouromran@gmail.com

## ۱. مقدمه

تمدن هر قوم و ملتی، تجلی همه دانش، بینش، توانمندی و در عین حال نشانگر ارزش‌ها و آرمان‌های آنان و شاخصی اساسی برای تعریف هویت جمعی و تاریخی آن مجموعه انسانی است (زمانی محبوب، ۱۳۹۶: ۱). تمدن، حاصل عینیت یافتگی و امتداد مبنای شناختی هنجاری است که در آن به پرسش‌های بنیادین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پاسخ داده می‌شود (جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۲). به عبارت دیگر تمدن، حاصل تعالی فرهنگی، پذیرش نظم اجتماعی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی و یا به نقل ابن‌خلدون، عمران یافتن است (ولایتی، ۱۳۸۸: ۳۲).

هنری لوکاس<sup>۱</sup>، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند، که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۸۴: ۱۶). به عقیده علامه محمدتقی جعفری تمدن عبارت است از: برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آنان باشد (علامه جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۳). از نظر ویل دورانت<sup>۲</sup> تمدن، نظامی اجتماعی است که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند؛ و نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگه‌دارنده آن می‌باشند و همچنین نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند (رادمهر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۷).

تمدن از مفاهیم پربسامد، مناقشه برانگیز و مورد توجه اندیشمندان علوم انسانی در سده حاضر است و برای هر تمدنی ویژگی‌ها و مولفه‌هایی برشمرده‌اند (زمانی محبوب، ۱۳۹۶: ۱). ابن‌خلدون که یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌پردازان مسلمان در حوزه تمدن است، مولفه‌های این پدیده را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش و هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت<sup>۳</sup> می‌داند (آدمی ابرقویی، ۱۳۸۷: ۳۹). هنری لوکاس در مورد عناصر و مولفه‌های تمدن به عناصر کلی اقتصاد، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و دینی، معرفت

۱. Henry Stephen Lucas .

۲. William James Durant .

۳. عصبیت (به انگلیسی: Asabiyyah) و (به عربی: عصبیة) مفهومی طرح شده از سوی ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حضرمی مشهور به ابن‌خلدون (۱۴۰۶-۱۳۳۲م) تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس مسلمان تونس‌نوی است. عصبیت احساس گروهی یا انسجام اجتماعی، مفهومی از همبستگی اجتماعی با تأکید بر سازگاری، آگاهی گروهی، احساس هدف مشترک و انسجام گروهی است که در ابتدا در زمینه قبیله‌گرایی و کلان‌گرایی مطرح بود (سایت ویکی‌پدیا، ۱۴۰۱).



و هنر اشاره می‌کند (لوکاس، ۱۳۸۴: ۱۶). ولاهاوسا مولفه‌های تمدن را مقررات و قانون، دولت، خط، هنر، زبان، دین و دانش تعریف می‌کند (اردکانی و همکاران ۱۳۹۲: ۷۳) و علامه محمدتقی جعفری کشف و اجرای قوانین عادلانه، پیدا کردن بهترین راه‌ها برای مبارزه با عوامل مزاحم طبیعت و انسان‌های نیرومند و طغیانگر، مدیریت سیاسی منطقی، کشف و بکارگیری تکنولوژی‌های متنوع، بهره‌برداری بیشتر از مغزهای انسانی و مواد طبیعی در راه فراهم کردن رفاه و آسایش حیات در مسیر «انسان‌محوری»، را به عنوان مهمترین عناصر تمدن ذکر می‌کند (علامه جعفری، ۱۳۹۰: ۵: ۱۶۱).

تمدن‌ها، افزون بر اصول و مولفه‌های مشترک، وجوه خاصی نیز دارند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، این وجوه می‌تواند قومی، ملی، دینی، یا به قلمرو جغرافیایی یک تمدن مرتبط باشد (مهرآور گیگلو، ۱۴۰۰: ۱۳۴).

تمدن اسلامی به عنوان نمونه کاملی از تمدن دینی، مولفه‌هایی دارد که آن را از دیگر تمدن‌ها متمایز می‌نماید. پرسش از مولفه‌های تمدن اسلامی، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که پژوهشگران حوزه تمدن با آن روبه‌رو هستند. یکی از دلایل مهم توجه جدی پژوهشگران به این مقوله، بازخوانی تمدن اسلامی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی است (زمانی محبوب، ۱۳۹۶). به عنوان نمونه در کتاب «نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی» نوشته منتظرالقائم و سلیمانی (۱۳۹۴)، هدف از مطالعه و بررسی اقدامات و عملکرد پیامبران ابراهیمی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، الگوبرداری و بومی‌سازی الگوی تمدنی انبیا بیان شده است. این کتاب پژوهشی، در ابتدا ضمن بیان اهداف و معرفی و ارزیابی منابع، به ظرفیت تمدن‌سازی ادیان توحیدی پرداخته، و کلیاتی در مورد نقش انبیای الهی در مورد رشد فکری بشر و ساختن تمدن‌های بزرگ بشری ارائه داده است، سپس تمدن‌سازی پیامبرانی همچون یوسف؟، موسی؟، داوود؟، سلیمان؟ و محمد رسول‌الله؟ را در نقاط مختلف جهان مورد بحث و بررسی قرآنی و روایی قرار داده و ضمن اشاره به اصلاحات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این پیامبران، تحولات شگرفی را که آنان در ارتقای عالم و آدم در زمان خویش انجام دادند، مورد بررسی قرار داده و راهبردها و مدیریت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیامبران ابراهیمی را تبیین نموده است. مقاله «شاخصه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی در آیات و روایات» (فرزندوحی و احمدی، ۱۳۹۹)، پژوهش دیگری است که در حوزه تمدن اسلامی به رشته تحریر درآمده است.

نویسندگان در این مقاله به دنبال شناخت آن دسته از شاخصه‌هایی هستند که باعث تمایز تمدن اسلامی از دیگر تمدن‌ها می‌شود؛ آنان شاخصه‌هایی همچون تکریم جایگاه انسان، عقلانیت، رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان، ولایت‌مداری، نگرش توحیدی، عدالت‌گستری، علم و معرفت، آزادی، توجه به سلامت و بهداشت و گسترش اخلاقیات را از مولفه‌های تمدن‌ساز اسلامی ذکر کرده‌اند. همچنین تبریزی‌زاده اصفهانی (۱۳۹۹)، در مقاله «مولفه‌های فرامادی تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم» مولفه‌هایی چون: باور توحیدی، معادمحوری، عدالت، آزادی، امنیت، وحدت‌گرایی، اخلاق‌مداری، راهبری مصلحان اجتماعی، حقیقت‌گرایی و برابری‌گرایی که منشا زیست‌هدمند انسان است را به عنوان مولفه‌های فرامادی تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم بیان می‌کند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد پژوهش‌های متعددی در حوزه تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی انجام شده، اما هر یک بسته به بن‌مایه‌های فکری و توانایی علمی پژوهشگران، به ابعاد خاصی از موضوع پرداخته‌اند و پژوهشی با رویکرد پژوهش حاضر جهت یکپارچه‌سازی یافته‌های متعدد، صورت نگرفته است. از این‌رو این پژوهش تلاش دارد از طریق تحلیل محتوا و ترکیب نظام‌مند ادبیات پژوهش به این پرسش پاسخ دهد: پژوهش‌های انجام شده در حوزه تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، برای تمدن‌سازی اسلامی چه مولفه‌هایی ارائه می‌دهند؟

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که به روش مرور نظام‌مند انجام شده است. مرور نظام‌مند روشی صریح برای شناسایی، ارزیابی و تجزیه تحلیل کارهای انجام شده توسط پژوهشگران، محققان و دانش‌پژوهان است. مرور نظام‌مند در واقع مطالعه مشاهده‌ای بر روی مطالعات انجام شده موجود است. پس همانند سایر پژوهش‌ها، شامل چند بخش می‌شود: تعیین دقیق مشکل مورد تحقیق، جمع‌آوری و آنالیز داده‌ها و تفسیر نتایج. بدیهی است برای آن‌که این مسیر به سلامت طی شود، باید پروتکلی دقیق، تعریف و تعیین گردد (ملبوس باف و عزیزی، ۱۳۸۹: ۲۰۴). در این پژوهش از روش هفت مرحله‌ای، به شرح شکل ۱ استفاده شده است.



شکل ۱: مراحل هفت گانه پژوهش

### تنظیم سوال پژوهش

سوالات پژوهش به شرح جدول ۱ تنظیم شده است.

جدول ۱: سوالات پژوهش و پارامترها

سوال	پارامتر
مولفه های تمدن سازی اسلامی در آیات قرآن کدامند؟	چه چیزی
جامعه مورد مطالعه برای دستیابی به مولفه های تمدن سازی اسلامی در آیات قرآن کدامند؟	جامعه مورد مطالعه
موارد فوق در چه دوره زمانی بررسی و جستجو شده است؟	چه موقع
چه روشی برای فراهم کردن مطالعات استفاده شده است؟	چگونگی روش

### تعیین پروتکل

معیارهای پذیرش مقالات در این پژوهش عبارتند از: زبان پژوهش: فارسی. زمان انجام پژوهش: ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰. روش پژوهش: کیفی. جامعه مورد مطالعه: کلیه پژوهش های انجام شده درباره تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی. نوع مطالعه: مقالات چاپ شده در نشریه های معتبر داخلی. معیارهای عدم پذیرش مقالات عبارتند از: غیر از زبان فارسی، قبل از سال ۱۳۹۰ و بعد از ۱۴۰۰، پژوهش های کمی، نظرات شخصی و مقالات نامعتبر و چاپ نشده.

### جستجو و انتخاب مقاله های مناسب

در این مرحله محققان با استفاده از کلیدواژه های تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پورتال جامع علوم انسانی، پایگاه مجلات تخصصی نور و پایگاه تخصصی google scholar، مقاله های مرتبط را مورد بررسی قرار دادند. مقاله های منتخب با پارامترهای متفاوتی مانند عنوان، چکیده، محتوا، جامعه تحقیق

و کیفیت روش پژوهش ارزیابی شدند و در نهایت ۲۰ مقاله انتخاب گردید. برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها از ابزار برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی (CASP) استفاده شده است.

### استخراج اطلاعات متون

در این مرحله مقاله‌های منتخب نهایی، با هدف دستیابی به یافته‌های درون مطالعات، چندین بار بازخوانی شدند. سپس اطلاعات مقاله‌ها بر اساس نام و نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار مقاله و یافته‌ها، در جدول ۲ طبقه‌بندی شدند.

جدول ۲: کدهای اولیه استخراج شده از متون

کد مقاله	محقق/محققین	کدهای استخراجی
۱	صدری‌فر و مولوی، ۱۴۰۰	جامعه، حکومت و رهبری صالح، خودباوری و عزتمندی در جامعه، تقویت اراده اجتماعی، آرمان‌گرایی و آرمان‌خواهی جامعه، استقامت اجتماعی، محیط امن، ارزشمند بودن کار، مبادله معرفتی با دیگر جوامع
۲	فرزندوحی و احمدی، ۱۳۹۹	تکریم جایگاه انسان، عقلانیت، رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان، ولایت‌مداری، نگرش توحیدی، عدالت‌گستری، علم و معرفت، آزادی، توجه به سلامت و بهداشت، گسترش اخلاقیات بر اساس موازین اسلامی
۳	تبریزی‌زاده اصفهانی، ۱۳۹۹	باورتوحیدی، معادباوری، عدالت، آزادی، امنیت، وحدت‌گرایی، اخلاق‌مداری، راهبری مصلحان اجتماعی، حقیقت‌گرایی، برابری‌گرایی
۴	پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸	حکومت‌مداری اسلامی، جامعه کارآمد اسلامی، نظام‌سازی اسلامی
۵	بسطامی و حسینی، ۱۳۹۸	اتحاد و انسجام درونی، عدالت‌گستری، روحیه جهادی، حاکمیت صالحان، حفظ حدود الهی، رشد فکری و اندیشه‌ورزی، اصالت و خودباوری، الگومداری، نخبه‌پرووری
۶	یاقوتی، ۱۳۹۸	استفاده بهینه از ظرفیت نخبگان، تحول در علوم انسانی، نگاه فراملیتی و فرامذهبی، آزاداندیشی، خودباوری، بازگشت به اسلام، توجه به علم و معرفت
۷	محسنی، ۱۳۹۸	قرآن‌مداری، ایمان، عقلانیت و خردورزی، مجاهدت علمی، مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، توجه توأمان به دنیا و آخرت، آزاداندیشی، خودباوری، نوگرایی، پیشرفت مادی و توسعه اقتصادی، اصلاح سبک زندگی
۸	فرزانه، خیاط و صفرپور، ۱۳۹۷	ایمان و مکتب، رهبری، شرایط و امکانات و توانایی‌ها، مدارا و رفق و سازش، عدالت‌محوری، مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی، کرامت انسانی، اخلاق‌گرایی، جهان‌بینی اسلامی، علم و دانش‌اندوزی، عقلانیت و خردورزی، خودباوری، معنویت‌گرایی، تلاش و مجاهدت
۹	کشاورز ترک و تسنیمی، ۱۳۹۷	معنویت‌گرایی، تفکر و اندیشه، بصیرت و فهم صحیح، وحدت، نیروی انسانی کارآمد، اقتدار، استقلال، ایستادگی، پیشرفت، سازندگی و رفع محرومیت، استقرار عدالت، علم و فن‌آوری، امنیت



۱۰	زمانی محبوب، ۱۳۹۶	دین و توحید، جهان‌شمولی، تساهل و مدارا، آزاداندیشی، اخلاق، کرامت انسانی، علم، عقلانیت و خردورزی، عدالت، تلاش و مجاهدت
۱۱	پناهی، ۱۳۹۶	خدامحوری و توجه به کرامت انسانی، علم‌گرایی، عدالت، امنیت و رزق، اصلاح‌گری، آزادی، استقامت و آمادگی همه‌جانبه، ولایت‌محوری، عدم تعصب
۱۲	خزاعی، خسروی و رجبی‌دوانی، ۱۳۹۶	خودباوری و اعتماد به نفس، توجه به دین، جامعه‌سازی، پایه‌گذاری قانون، توجه به جایگاه علم و تولید آن، آزادی فکر و اندیشه
۱۳	غفاری هاشجین و ناصرخاکی، ۱۳۹۵	قرآن‌محوری، علم‌گرایی، اسلامی‌سازی معرفت (تولید علوم انسانی اسلامی)، جهان‌گرایی
۱۴	فرمیهنی‌فراهانی، ۱۳۹۵	وحدت در جهان اسلام، سبک زندگی اسلامی، پرهیز از تقلید، عمل به تعالیم اسلامی، آینده‌نگری، کار و تلاش، مسئولیت‌پذیری، افزایش جمعیت، مدارا و سعه صدر، اخلاق حرفه‌ای، تقویت ارزش‌های دینی، اقتصاد پویا، انضباط‌کاری، اقتدار اجتماعی، سیاسی و نظامی، امنیت، خودباوری، پرورش نیروهای کارآمد، رشد و نوآوری علمی، افزایش دانش سیاسی
۱۵	اکبری و رضایی، ۱۳۹۴	اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، روابط بین‌الملل، حکومت مردمی، استقرار عدالت، رفاه عمومی، پرهیز از تحجر، محوریت قانون
۱۶	تقی‌نیا، صوفی و رستمی، ۱۳۹۳	داشتن جهان‌بینی پویا، مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی، عدالت‌محوری، تأکید بر مدارا و بصیرت، اقتدارگرایی، مسئولیت‌پذیری، تعقل و اندیشه‌ورزی
۱۷	سعیدی روشن، ۱۳۹۳	ایمان به مبدأ الهی و داشتن فلسفه زندگی، برخورداری از فضیلت‌های والای انسانی و ارزش‌های اخلاقی، قانون‌مبندیت از حق، مدیریت صالح، وجود عدالت، آزادی، امنیت، وحدت و همدلی میان افراد جامعه، اقتدار اقتصادی، صنعتی و نظامی
۱۸	جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳	تولید فکر و نظریه، تولید علم، کاربردی‌خرد و اندیشه، گفتمان‌سازی
۱۹	سلیمانی و منتظرالقائم، ۱۳۹۳	جامعه، قانون، حکومت، کار و تولید، نظام‌سازی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛ پرهیز از فساد، زدودن محیط از آلودگی فکری، اصلاح نهاد اجتماعی و اقتصادی، اختیار عمل برای مدیران خلاق، کارگزاران شایسته، امنیت، پژوهش، عدالت
۲۰	زمانی محبوب، ۱۳۹۰	بازگشت به اسلام و عمل به تعالیم آن، تلاش دانشمندان و اجماع نظری و عملی نخبگان، حکومت اسلامی، آزادی فکر و اندیشه، خودباوری، اتحاد

### تجزیه، تحلیل و ترکیب یافته‌ها

در این مرحله پس از تجزیه و تحلیل کدهای استخراج شده از پژوهش‌های پیشین و ادغام موارد مشابه و حذف موارد تکراری؛ مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در دو حوزه به شرح جدول ۳ دسته‌بندی گردید

جدول ۳: مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی

مقوله	مفهوم	کد اولیه	کد منابع
نظام‌سازی	شکل‌گیری دولت مقتدر و باکفایت اسلامی	دولت اسلامی، حاکمیت صالحان، اقتدار	۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰
	شکل‌گیری جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی	جامعه کارآمد اسلامی، نیروی انسانی کارآمد	۴، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۹
	شکل‌گیری نظام اقتصادی رشدیافته و بالنده	پیشرفت مادی و توسعه اقتصادی	۷، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹
	شکل‌گیری نظام فرهنگی مطلوب	اصلاح نهاد اجتماعی و سبک زندگی	۷، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۹

### کنترل کیفیت

برای کنترل مفاهیم استخراجی، از روش مسیر ممیزی برای تأیید صحت و درستی داده‌ها استفاده شد. در این روش، افرادی بیرون از پژوهش که به مطالعات کیفی آشنا هستند، به عنوان بررسی‌کننده و ناظر عمل می‌نمایند. در پژوهش حاضر از ۳ ناظر خارجی باتجربه در پژوهش کیفی استفاده شد که مبنای تئوریک، فرایند جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل را بررسی و تأیید نمودند؛ در نتیجه قابلیت اطمینان مطالعه حاصل گردید.

### ۴. یافته‌ها

نتایج تحلیل پژوهش‌های پیشین و کدهای استخراج‌شده با استفاده از روش مرور نظام‌مند نشان داد، مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در آیات قرآن کریم در دو حوزه به شرح شکل ۱ قابل دسته‌بندی هستند.





تساهل و مدارا	زیر نظام‌های تمدنی
نگرش توحیدی	
مبادله معرفتی با دیگر جوامع و ملل	
توسعه و رفاه عمومی	
ارزشمند شمردن کار و تلاش در جامعه	
استقامت اجتماعی	
نظم و انضباط	
نخبه‌پروری و بکارگیری نخبگان	
تولید فکر و نظریه‌پردازی	
امنیت	
قانون‌مداری	
وحدت‌گرایی و انسجام	
ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه	
اخلاق‌مداری	
عقلانیت و خردورزی	
آزادی و آزاداندیشی	
علم‌گرایی و تولید آن	نظام‌سازی
عدالت‌گستری	
شکل‌گیری نظام فرهنگی مطلوب	
شکل‌گیری نظام اقتصادی رشدیافته و بالنده	
شکل‌گیری جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی	
شکل‌گیری دولت مقتدر و باکفایت اسلامی	

شکل ۱. مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در آیات قرآن کریم

## ۱-۴. نظام‌سازی

«نظام‌سازی»، طراحی و ایجاد مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها، سازوکارها، روندها، ساختارها و نهادها است که فرایند تحقق «آرمان‌ها» را سازمان‌دهی می‌کند (عینی‌زاده و مودب، ۱۳۹۶: ۱۵۶). هیچ تمدنی بدون «نظام‌سازی» یا همان «طرز مهندسی اجتماعی»، قادر به ادامه حیات نخواهد بود (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸: ۳۳۷). در واقع تمدن‌سازی عبارت است از: برنامه‌های راهبردی برای نظام‌سازی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای بنیان مدنیت نوین (سلیمانی و منتظرالقائم، ۱۳۹۳ به نقل از منتظرالقائم، ۱۳۹۱: ۱۷۲). اساساً همین نظام‌ها هستند که تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازند. بنابراین، تحقق تمدن نوین اسلامی نیز نیازمند شکل‌گیری مجموعه‌ای از نظام‌ها است که در ادامه تشریح می‌شوند.

### ۱-۴-۱. شکل‌گیری دولت مقتدر و باکفایت اسلامی

عامل اولیه تمدن‌سازی و پیشرفت را باید در وجود انسان در نظر گرفت. ولی آن چیزی که امکان می‌دهد گروهی از انسان‌ها در برهه‌ای از زمان به توسعه شهر پرداخته، و در آن به تولید صنعتی و تولید دانش بپردازند، زمینه‌ای است که دولت بوجود می‌آورد (جمشیدی‌ها، ۱۳۹۲: ۶۰). دولت کارآمد با استفاده مناسب و بهینه از امکانات، مسیر تعالی و بالندگی را هموار می‌کند و سبب ایجاد فضای امن و مناسب برای شکل‌گیری و اعتلای تمدن می‌شود. در تاریخ اسلام هرگاه دولت‌های اسلامی از اقتدار و جهان اسلام از وحدت برخوردار بوده، تمدن اسلامی رو به اوج و شکوفایی نهاده. مثلاً در دوران سه دولت قدرتمند صفویه در ایران، گورکانیان در هند و عثمانی در آسیای صغیر، پس از یک دوره رکود نسبی در تمدن اسلامی در اثر حمله مغول و دیگر عوامل، شاهد رونق تمدن اسلامی به ویژه در برخی حوزه‌ها مانند معماری و هنر هستیم (زمانی محجوب، ۱۳۹۰: ۱۲۵ و ۱۳۳).

بنابراین برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، نیازمند شکل‌گیری دولت مقتدر اسلامی بر اساس فرامین و آموزه‌های قرآن هستیم. قرآن بر اصل توانمندی و قدرت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی برای مقابله با تهدیدها و ایجاد امنیت تأکید دارد و مسلمانان را از سستی و کاهلی پرهیز، و به آمادگی همه جانبه فرمان می‌دهد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰)، و از امت اسلامی می‌خواهد تا به گونه‌ای رفتار کنند که اسلام‌ستیزان، صلابت و پایداری و استواری آنان را دریاوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ

۱. و در برابر آنان تا می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود - و جز آنها که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد - را بترسانید (انفال: ۶۰)



وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غُلَظَةً<sup>۱</sup> (توبه: ۱۲۳)، (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۷۹). همچنین برای تقویت قدرت نفوذ دولت اسلامی، توانمندی‌هایی از قبیل: توان جسمی و علمی (بقره: ۲۷)، امانتداری (یوسف: ۵۵)، روحیه مشورت‌خواهی و دوری از استبداد (آل عمران: ۱۵۹)، هدایت‌یافتگی، قدرت هدایت به حق (یونس: ۳۵)، قدرت تجزیه و تحلیل و کشف تصمیم‌های غیرعلنی دشمن (نساء: ۸۳) را به حاکمان اسلامی پیشنهاد می‌کند (سجادی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

#### ۴-۱-۲. شکل‌گیری جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی

یکی دیگر از ضرورت‌های تمدن‌سازی اسلامی، شکل‌گیری جامعه فرهیخته، توانمند، کارآفرین، خلاق، نوآور، دانایی‌محور و الگو در سطح و تراز جهانی است. جامعه‌ای که در آن بر اساس آموزه‌های قرآنی، دانش و نوآوری به عنوان منبع و سرمایه اساسی و دانشگران محور اصلی آن خواهند بود. تولید علم و دانش، بهره‌گیری از دانش و گسترش آن در سطح جامعه در تمام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در اولویت است. برای نوآوری، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، متکی به دانش شهروندان تحصیل کرده خود است و مردم با توسعه اطلاعات و نیز فرصت‌های فراوان تولید و استفاده انبوه از انواع محصولات دانشی در کل جامعه، توانمند می‌شوند. به عبارت بهتر، همه افراد جامعه در ایجاد و بهره‌برداری از دانش، با هدف زندگی باکیفیت‌تر و ایمن‌تر درگیر هستند.

چشم‌انداز اجتماعی و اقتصادی بر بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور پیوند خورده و زیرساخت‌های دانش و یادگیری، پایه‌های اصلی پیاده‌سازی استراتژی‌های توسعه محسوب می‌شوند. در این جامعه نخبگان علوم مختلف شناسایی و جذب می‌شوند و فضای لازم برای پرورش افراد و خلق دانش فراهم است. فعالیت‌های مبتنی بر فکر، اندیشه و دانش، بروز و ظهور ویژه‌ای می‌یابد و خلاقیت، نوآوری و کسب‌وکارهای دانشی به عنوان عامل اصلی و محوری رشد و توسعه قلمداد می‌شود (رحمدل و کشتکار، ۱۴۰۰: ۲۸۵-۲۷۲).

در این جامعه تمام افراد به دنبال به‌سازی تلاش‌ها (ملک: ۲)، تسخیر منابع طبیعی (جاثیه: ۱۳ و حج: ۶۵)، فزون‌خواهی در علم (طه: ۱۱۴)، تحکیم روابط متقابل عاطفی (فتح: ۲۹)، افزایش قدرت بازدارنده نظامی (انفال: ۶۰)، تعاون و خیررسانی (ابراهیم: ۲۴ و مائده: ۲)، مطالعه هستی به قصد رشد باورهای اعتقادی (آل عمران: ۱۹۱)، توصیه به رعایت عدالت و حقوق انسان‌ها (حدید: ۲۵ و عصر: ۳)، حرمت‌گذاری به حیثیت و شرافت همدیگر

۱. ای اهل ایمان، با کافران از آنان که با شما نزدیک‌ترند شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درستی و نبرومندی و قوت و پایداری حس کنند (توبه: ۱۲۳).

(حجرات: ۱۱ و ۱۲)، پرهیز از ستم و حفظ کرامت همه بشریت (مائده: ۲ و ۸ و اسراء: ۷۰) و تقرب هرچه بیشتر به خداوند (فاطر: ۱۰) می‌باشند (سجادی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

### ۴-۱-۳. شکل‌گیری نظام اقتصادی رشديافته و بالنده

ساخت و گسترش تمدن اسلامی، نیازمند نظام اقتصادی رشديافته و بالنده است. نقش ثروت و قدرت اقتصادی در تمدن‌سازی، همچون نقش آب در زندگی جانداران است؛ همچنان‌که زندگی جانداران بدون آب امکان‌پذیر نیست، حیات تمدن نیز بدون داشتن پول و قدرت اقتصادی، ممکن نمی‌شود. تمدن دستاورد دوران رونق و شکوفایی اقتصادی است (منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۹۴: ۶۹).

قرآن کریم ثروت و دارایی را عامل پایایی و قوام فرد و جامعه می‌داند: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»<sup>۱</sup> (نساء: ۵). در تمدن مطلوب قرآنی، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و نیز رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، بر اساس اصل عزت (منافقون: ۸) و استقلال همه جانبه مؤمنان (نساء: ۱۴۱) و عدم وابستگی آنان به بیگانگان مورد تأکید است. قرآن زمینه‌سازی برای بهره‌مندی اقتصادی را امری الهی می‌داند: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشًا»<sup>۲</sup> (اعراف: ۱۰)، و مؤمنان را بر بهره‌مندی اقتصادی سفارش می‌کند: «وَلَا تَتَّبِعْ نَفْسَكَ مِنَ الدُّنْيَا»<sup>۳</sup> (قصص: ۷۷)؛ و با یادکردی مثبت، از جامعه‌هایی نام می‌برد که برخوردار از تمکن بودند و همه چیز داشتند (سبأ: ۱۵)، (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۷۷).

### ۴-۱-۴. شکل‌گیری نظام فرهنگی مطلوب

شکل‌گیری تمدن مطلوب قرآنی، به شکل‌گیری نظام فرهنگی مطلوب منوط است؛ زیرا زیربنای همه تمدن‌ها، ساختارهای فرهنگی است (زمانی محبوب، ۱۳۹۶: ۳). تمدن از دل فرهنگ جوشش می‌کند و این فرهنگ‌ها هستند که سرزمین رشد و نمو و شکل‌گیری تمدن‌ها هستند. تمدن با گذر از مرز فرهنگ به قلمرو تولیدات عینی، سخت‌افزاری، مادی، صنعتی و... می‌رسد (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۱۳۱). نقش فرهنگ نسبت به تمدن، همانند کارکرد خون در بدن موجود زنده است و موجب حفظ حیات، توازن و تقویت مقاومت درونی آن می‌شود (الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

۱. و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید (نساء: ۵).

۲. ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم (اعراف: ۱۰).

۳. و بهرات را از دنیا فراموش مکن (قصص: ۷۷).



## ۲-۴. زیرنظام‌های تمدنی و توانمندسازی نخبگانی و جامعه

همان‌گونه که مطرح شد، هر تمدنی مبتنی بر مجموعه‌ای از نظام‌ها است که اساس و هویت آن تمدن را شکل می‌دهند. این نظام‌ها بر پایه یک‌سری مبانی فکری و ارزشی که فلسفه حیات آن تمدن است، شکل می‌گیرند. تمدن نوین اسلامی نیز که در آن اسلام، منبع تبیین مبانی، اصول، ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف است، بر پایه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها امکان تحقق می‌یابد که در ادامه تشریح می‌شوند.

### ۴-۲-۱. عدالت‌گستری

ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی، از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جوامع، و پیدایش و شکوفایی تمدن‌ها است (فرزانه، خیاط و صفرپور، ۱۳۹۷: ۱۸۸). عدالت، رفتار مطابق قانون است و چون همه شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها مشمول قانون به معنای عام است، انحراف از قانون به هر شکلی که باشد، ظلم و تعدی و تجاوز است (علامه جعفری، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۷۰).

وقتی می‌توان در اندیشه یک جامعه آرمانی و تمدن‌ساز بود که تک تک اعضای آن جامعه احساس کنند در حق آنان ظلمی نشده است و به جایگاه و حقوقی رسیده‌اند که شایسته آن بودند. یکی از زمینه‌های برچیده شدن ظلم و تبعیض، رسیدن هر فرد به حقوق خود و واگذاری مناصب به اهل آن و شایستگان است (بسطامی و حسینی، ۱۳۹۸: ۸۱).

عدالت مطلوب در تمدن اسلامی، شامل همه ابعاد فردی و اجتماعی می‌باشد و حق هر مستحق‌ی در حوزه‌های مختلف اجتماع اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، قضاوت و مانند آن به او پرداخت می‌شود و کسی مورد ظلم قرار نمی‌گیرد. طبق مبانی تمدن اسلامی، حتی در برخورد با دشمن نیز باید مراتب عدالت به درستی رعایت گردد: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰى اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى»<sup>۱</sup> (مائده: ۸)؛ (پناهی، ۱۳۹۶: ۱۱). رسالت تمدن قرآنی، تحقق عدل، احسان، تقوی و پیشگیری از ستم و فساد و طغیان و مبارزه با آن است (فریدی، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

بنابراین یکی از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، شاخص عدالت اجتماعی می‌باشد. اگر جامعه‌ای بر اساس موازین حق و عدالت ایجاد شود و از آن عدول نکند، همچنان راه سعادت دنیوی و تکامل را طی خواهد کرد و لطف و برکات الهی هم شامل آن جامعه خواهد شد: «وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرٰى اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَکٰتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ

۱. شما را نباید عداوت گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر (از هر عمل) است.

وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۱</sup> (اعراف: ۹۶)؛ ولی در صورتی که از معیارهای حق و عدالت دوری گزینند و به ظلم و طبقه‌بندی اجتماعی و روابط ناصحیح اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی روی آورد، دچار انحطاط می‌شود و هلاکت و نابودی آن حتمی خواهد بود. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که خداوند تنها انسان‌هایی را در توسعه و تحقق تمدن اسلامی مؤثر می‌داند که واجد ارزش‌های الهی باشند و در جهت هدایت انبیای الهی قرار گیرند (شفیعی دارابی و باقریان، ۱۴۰۰: ۷۵).

#### ۴-۲-۲. علم‌گرایی و تولید آن

بدون تردید تمدن‌ها برای تاسیس و تداوم خود نیازمند توجه ویژه به کسب علم و معرفتند. در طول تاریخ حیات اجتماعی- سیاسی بشر، تمدنی را نمی‌توان یافت که بدون توجه به علم، توانسته باشد مولفه‌های گوناگون تمدنی خود را پایه‌ریزی کند (خزاعی، خسروی، و رجبی دوانی، ۱۳۹۶: ۳۴). تمدن‌ها همواره با تکیه بر دانش، محتوای خود را گسترش داده و ساختارهای بنیادین خود را توسعه بخشیده‌اند (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). پیشرفت و توسعه کشورها بر مبنای علم و دانش و بهره‌گیری از ظرفیت و توان علمی و فنی استوار است. پژوهش و تولید علم و فناوری، به ویژه در حوزه‌های کاربردی، از مهم‌ترین عناصر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشوری محسوب می‌شود (کزازی، ۱۳۹۶: ۲۴۴). بنابراین اگر جامعه‌ای در این حوزه نتواند دیدگاه‌های مفید، جذاب، موجه و کارآمد ارائه کند، نمی‌تواند احیاگر تمدن خود باشد (فرجی ارمکی، ۱۳۸۶: ۶۵).

علم و دانش در تمدن اسلامی از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار بوده و به همین اندازه سهم عظیمی در پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی نیز دارد. این اهمیت را می‌توان با توجه به نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص)؛ دریافت: «أَفْرَأُوا بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، أَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»<sup>۲</sup> (علق: ۴ - ۱). یا آنجا که می‌فرماید: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱)، (پناهی، ۱۳۹۶: ۱۰). اصل کلمه علم، حدود هشتاد بار در قرآن آمده است. قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup> (زمر: ۹). در آیات دیگر قرآن مانند بقره: ۲۸۰، عمران: ۱۹۰، انعام: ۱۰،

۱. و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند، ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم.

۲. بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید. بخوان و پروردگارت تو کریم‌ترین است. همان کس که به وسیله قلم آموخت.

۳. بگو: آیا آنان که اهل علم و دانشند با مردم جاهل نادان یکسانند؟



یونس: ۵، عنکبوت: ۱۵ و ... کسانی که اهل علم نیستند پیوسته سرزنش می‌شوند (زمانی محجوب، ۱۳۹۶: ۱۴).

اهمیت علم و دانش در تمدن اسلامی تا آن اندازه است که در کلام پیامبر گرامی اسلام ص: نگاه محبت‌آمیز به چهره اساتید به عنوان عبادت ذکر شده: «النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ» و تفکر دانشمند، افضل از عبادت عابدان در نظر گرفته شده است: «سَاعَةٌ مِنْ عَالِمٍ يَنْكَبُ عَلَى فِرَاشِهِ يَنْظُرُ فِي عَمَلِهِ، خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ سَبْعِينَ عَامًا»<sup>۱</sup> (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۱۸ و ۲۶)، و خداوند در قرآن کریم در کنار ایمان و تقوا و جهاد، صاحبان علم را مقام رفیع داده است: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»<sup>۲</sup> (مجادله: ۱۱). با استناد به این آیات و احادیث، پیداست که پیشرفت علوم مختلف در حوزه تمدن اسلامی، نتیجه اهمیتی است که قرآن کریم و پیامبر اکرم ص: به عنوان هدایت‌کننده مسلمانان به علم و دانش می‌دادند (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

### ۴-۲-۳. آزادی و آزاداندیشی

متفکران، آزادی را به عنوان آرزوی انسان و مایه بروز استعدادها و توانایی‌های فطری و باعث تکامل و توسعه علوم و تفکرات می‌دانند (گلابی، عسگری و شکوه فر، ۱۳۸۳). آزادی به معنای قدرت انتخاب، قدرت عمل و توانایی ترک عمل است؛ یعنی انسان از موانع بیرونی و درونی در انجام عمل یا ترک آن، رها باشد. طبعاً آزادی در دو زمینه مطرح است: ۱- آزادی از ۲- آزادی برای؛ در مرحله اول انسان از موانع سر راه خود رها باشد و در مرحله دوم، هدف و منظور از آزادی خود را تحقق بخشد (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۰۶). آزادی حق طبیعی انسان است. آزادی، هم دادنی است، هم گرفتنی و هم آموختنی. «آزادی دادنی است» یعنی چه؟ یعنی مسئولان حکومت‌ها اجازه ندارند حق طبیعی آزادی - یعنی آزادی‌های قانونی - را از کسی سلب کنند. البته این لطفی نیست که حکومت‌ها می‌کنند؛ باید آزادی را بدهند و این یک وظیفه و تکلیف است. «آزادی گرفتنی است»، یعنی هر انسان آگاه و باشعوری در جامعه باید با حق آزادی و حدود خودش آشنا باشد و آن را مطالبه کند و بخواهد. و اما «آزادی آموختنی است»، یعنی آزادی آداب و فرهنگی دارد که باید آن را آموخت. بدون فرهنگ و ادب آزادی، این نعمت بزرگ برای هیچ‌کس و هیچ جامعه‌ای - چنان‌که شایسته است - فراهم نخواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

آزادی و آزاداندیشی عنصری مهم در رشد و شکوفایی استعدادهای فکری و خلاقیت‌های

۱. يك ساعت تکیه زدن عالم بر بستر خویش و نگریستن در کار و عملش، بهتر از هفتاد سال عبادت عابد است.

۲. خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان شما را (در دو جهان) رفیع گرداند.

ذهنی افراد و زمینه‌ساز پیشرفت اجتماعی است (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۷۵). در فرهنگ قرآن کریم، استقلال و آزادی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نعمت‌های جوامع بشری به شمار می‌رود. بالندگی یک جامعه متمدن در گرو رهایی همه فرزندان آن جامعه از بردگی، استثمار و اسارت‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. از این‌رو قرآن کریم، مبارزه با طاغوت‌ها و برداشتن بار سنگین رسوم سخت جاهلیت از دوش انسان‌ها و آزادسازی آنان از زنجیرهای اسارت را، از نخستین رسالت‌های انبیای الهی می‌داند (تبریزی‌زاده اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۴۱). آنجا که می‌فرماید: «... وَبِضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»<sup>۱</sup> (اعراف: ۱۵۷).

آزاداندیشی و خردورزی از عوامل اساسی توسعه علمی مسلمانان در قرون اولیه هجری بود و در واقع این تفکر، از تمدن اسلامی به سایر تمدن‌ها انتقال یافت (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۹). دانشمندان برجسته تمدن اسلامی، منادی بی‌چون و چرای آزاداندیشی در عرصه علم و عمل بودند. در طول حیات پر برکت تمدن اسلامی، یکی از تلاش‌های مستمر و گاه طاقت‌فرسای دانشمندان مسلمان، مبارزه با دیدگاه‌های متعصبانه، معارضه با خرافات و انحرافات در پوشش علم و مقابله با برداشت‌های محدود کننده از علوم مختلف بوده است. آزاداندیشی، پیش‌نیاز هر نوع نوآوری در هر تمدنی است (رحیمی، ۱۳۹۳: ۸۱). بنابراین برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، باید فضایی فراهم آید که نویسندگان و متفکران، اندیشه‌های انتقادی خود را طرح، و نظریه‌های خود را ابراز نمایند و گروهی از دانشمندان و نخبگان فن نیز، در پی پاسخ این انتقادهای برآیند و آن‌ها را نقد و بررسی کنند (خرزعی، خسروی، و رجبی دوانی، ۱۳۹۶: ۳۵). چراکه محیط‌های آزاد و مستقل، مولد فکر و اندیشه، و محیط‌های وابسته، مصرف‌کننده فکر و اندیشه‌اند و توان هدف‌گذاری، توجه به هویت فرهنگی، پرورش استعداد افراد جامعه و قدرت یافتن مسائل و حل آن‌ها در محیط‌های آزاد و مستقل بالاست (عالی‌زاده و جنگ، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

#### ۴-۲-۴. عقلانیت و خردورزی

عقلانیت، عبارت از سازمان دادن زندگی، به وسیله تقسیم و همسازی فعالیت‌های گوناگون بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسان‌ها با ابزارها و محیط‌شان، به منظور تحصیل کارآیی و بازدهی بیشتر است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۵: ۴۵). به عبارت دیگر، نوعی دوران‌دیشی و آینده‌نگری در تصمیم‌گیری است، به گونه‌ای که تبعات و جوانب یک اقدام در

۱. و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد.





آینده در نظر گرفته شود. در تحلیل‌های تاریخی، عقل و عقلانیت هسته اصلی هر تمدنی به شمار می‌آید، و گفته می‌شود به هر میزان که جنود عقل در یک تمدن، شکوفا و متجلی شوند، آن تمدن به سمت تعالی حرکت و به غایت قسواى خود که سعادت بشر می‌باشد، دست خواهد یافت و تمدن متعالی را شکل می‌دهد (لاجوردی و معینی‌پور، ۱۳۹۹: ۵۴). بنابراین جامعه‌ای رشدیافته و تمدن‌ساز تلقی می‌شود که در آن اندیشه‌ورزی و عقلانیت در حد اعلای خود، بر اساس منافع اجتماعی، به عنوان یک جریان پویا درآمده باشد (بسطامی و حسینی، ۱۳۹۸: ۷۷).

در اندیشه اسلامی، عقلانیت و خردورزی، جایگاه ارزشی و بلندی دارد. از عقل به عنوان رسول باطنی تعبیر شده و در روایات اسلامی، یک ساعت اندیشیدن برتر از عبادت چندین ساله است. خداوند متعال در قرآن کریم، بیش از سیصد مرتبه انسان را به تعقل و خردورزی دعوت نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۷). دین اسلام بر بصیرت و آگاهی در جهت کشف حقیقت و انطباق با واقع تأکید بسیار دارد. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ...»<sup>۱</sup> (یوسف: ۱۰۸). وظیفه انبیا تحریک و انگیزش خردها و بر افروختن چراغ عقل و آگاهیست. در پرتو نیروی عقل، انسان به مبدأ الهی می‌پیوندد و پرده‌های جهل را پاره می‌کند و فساد و تبعیض و تفرقه را محو می‌سازد. اسلام عقلانیتی را ارائه می‌دهد که می‌توان اساس زندگی فردی و جمعی را بر آن استوار کرد. این عقلانیت، در خدمت تمدن‌سازی و تولید علم و فرهنگ قرار می‌گیرد. تمدن به تعبیری، تحقق دستاوردهای عقل نظری و عقل عملی انسان است (یاریان، ۱۳۸۷: ۱۱۱-۱۱۰).

#### ۴-۲-۵. اخلاق‌مداری

مهم‌ترین عامل موفقیت یک تمدن این است که بتواند بیشترین تعداد افراد و جوامع را با خود همراه سازد. لازمه این مهم، برخورداری از ویژگی‌هایی است که به برخی از آن‌ها اشاره شد؛ اما مهم‌تر از همه، توان نفوذ در دل‌هاست. در صدر اسلام، عموم مردم نه از طریق استدلال، بلکه بیشتر با ملاحظه رفتار کریمانه و مهربانانه پیامبر (ص) و اصحاب عامل به اخلاق کریمه، مسلمان شدند. پیامبر اکرم (ص) فراتر از عدالت، اهل رأفت و رحمت بوده است. کسانی که از ظلم و جور صاحبان قدرت به ستوه آمده بودند، یکبار نه تنها شاهد شخصیت برجسته عدالت‌پیشه‌ای همچون پیامبر مکرم اسلام (ص) شدند، بلکه ملاحظه کردند فراتر از آن، این شخصیت با عظمت، تا چه میزان مهربان و دلسوز است و

۱. بگو: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به سوی خدا با بینایی و بصیرت دعوت می‌کنیم.

تا چه میزان دارای ملکات اخلاقی نیکویی است (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶: ۳۰).

اخلاق، عامل پیونددهنده اجتماع انسانی، عامل بازدارنده خطا و نیز موجد رعایت حقوق دیگران در جامعه است (جان‌احمدی، ۱۳۹۱: ۲۹). هر اجتماعی از انسان‌ها که تقیدی به خصلت‌های نیکو نداشته باشد، حتی اگر از همه سطوح و ابعاد عالم طبیعت آگاهی داشته و از حد اعلای آن نیز برخوردار باشد، حلاوت انسانیت را نخواهد چشید. در حقیقت، لزوم خصلت‌های نیکو برای یک جامعه متمدن، لزوم آب برای هر روییده نیازمند آب است (فریدی، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

قرآن کریم در بیان چیستی و ویژگی‌های نیک باوران و نیکوکاران، افزون بر مسائلی نظیر ایمان به خدا، انبیا و کتب الهی، جایگاهی ویژه برای ارزش‌های اخلاقی و رفتاری مانند حس نوع‌دوستی، صداقت، وفای به عهد، صبر و شکیبایی و مانند آن باز می‌نماید (تبریزی زاده اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۴۵)؛ و می‌فرماید: «نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنی (چه این چیز بی‌اثری است)، بلکه نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آرد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال (به مستحق) بدهد، و نیز نیکوکار آنانند که با هر که عهد بسته‌اند، به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند) آنان به حقیقت راستگویان و آنان به حقیقت پرهیزکارانند» (بقره: ۱۷۷).

اسلام مروج ملکات اخلاقی است (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶: ۳۰). خداوند در آیه ۱۵۹ از تأثیر حسن اخلاق در جلب و جذب مردم سخن می‌گوید و نشان می‌دهد یک مدیر متخلق به اخلاق الهی، تا چه حد در کار خود موفق است، و چگونه دل‌های رمیده را در اطراف خود جمع و متحد می‌سازد، اتحادی که مایه پیشرفت و تکامل جوامع است. بعکس، سوءاخلاق سبب گسترش فساد در جامعه و از هم گسیختگی رشته‌ی وحدت و اتحاد، دوستی و برادری و اعتماد، و به تبع آن عقب‌ماندگی در مسائل عمران و آبادی، توسعه اقتصادی، سلامت نفوس، رفاه مادی و تکامل معنوی می‌شود. بنابراین تأثیر حسن اخلاق، تنها در بُعد الهی و معنوی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه اثر وسیعی در زندگی مادی، فردی و اجتماعی انسان‌ها و نقش بسزایی در تمدن‌سازی دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷: ۵۵-۵۱). بعکس، سقوط اخلاقی، مقدمه سقوط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی و عامل



نابودی نظام‌ها و تمدن‌ها است و این یکی از سنت‌های حاکم بر جامعه و تاریخ است، چون یک جامعه و تمدن، هنگامی می‌تواند به حیات سعادت‌مند خود ادامه دهد و به پویایی و پایداری، رشد و تکامل خود امیدوار باشد که اصول، ارزش‌ها و اخلاق را در جامعه رعایت نماید (فرزانه، خیاط و صفرپور، ۱۳۹۷: ۱۹۳).

#### ۴-۲-۶. ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه

پیشرفت و موفقیت هر کشور دو رکن اساسی دارد: یکی داشتن امکانات مادی و منابع زیرزمینی که برای پیشرفت کشور لازم ولی کافی نیست، دیگری مولفه‌های معنوی که مکمل رکن اول است. مهم‌ترین و با اولویت‌ترین شاخص این مولفه، خودباوری و اعتماد به نفس ملی است. اگر ملتی این شاخص را داشته باشد، می‌تواند با شجاعت و اراده قوی (خامنه‌ای، ۱۳۸۴) در راه پیشرفت و توسعه، و تمدن‌سازی گام بردارد. اعتماد به نفس، رمز موفقیت و پیروزی در کارها و عامل مهم در یک تمدن است. خودباوری و اعتماد به نفس، اساس استقلال و شخصیت یک فرد و در نهایت یک جامعه را تشکیل می‌دهد. انسان تا خود را باور نکند، هرگز به استعداد و توانمندی‌های ذاتی خود اطمینان پیدا نمی‌کند و به دلیل عدم اعتماد به خود، جرأت و جسارت دست‌یازی به کارهای عظیم را ندارد (کریمی، ۱۴۰۰).

دستیابی به علوم روز دنیا و حرکت در مسیر تمدن‌سازی، زمانی کاملاً محقق می‌شود که جامعه اعم از نخبگان و مردم به ارزش اعتماد به نفس ملی به عنوان سرمایه اصلی کشور آگاه بوده و همواره در حفظ و تقویت آن کوشا باشند (رضاییان، ۱۴۰۱). اعتماد و اتکا به نفس در عرصه تلاش علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ترسیم‌کننده خط و جهت اصلی است. تمدن اسلامی اگر بخواهد اوج گیرد باید به خودباوری برسد (خزاعی، خسروی، و رجبی دوانی، ۱۳۹۶: ۳۲). یکی از راه‌های تقویت خودباوری، داشتن جرأت و خطرپذیری است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گوید: این جرأت و گستاخی و نترسیدن از احتمال موفق نشدن، عامل بسیار مهمی است که ما را پیش می‌برد. خطرپذیری می‌تواند جامعه را موفق کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

با اندکی تأمل در آیه «...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> (بقره: ۲۴۹): که به برتری گروهی اندک بر گروهی زیاد اشاره می‌کند، می‌توان به این نکته اساسی پی‌برد که یکی از رموز اصلی در این آیه که منجر به پیروزی می‌شود، داشتن ایمان،

۱. گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است.

روحیه و اعتماد به نفس فردی و جمعی است (رضایان، ۱۴۰۱). چرا که اصولاً بر پایه رهنمودهای قرآن، سنت الهی در سرنوشت جوامع بشری بر آن استوار است که اندیشه، باور و منش و کنش انسان‌ها، عامل مباشر و فاعل قریب رخدادها و تحولات زندگی فردی و اجتماعی‌شان محسوب شود. از این‌رو جامعه اسلامی اگر بخواهد به وضع مطلوب برسد، باید خود دست به کار شود و با اراده و عمل خود این راه را طی نماید (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۶۵). خداوند در این زمینه در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> (رعد: ۱۱).

#### ۴-۲-۷. وحدت‌گرایی و انسجام

وحدت‌گرایی و انسجام، فضیلتی است انسانی که در جهت تحقق امور جمعی چون تمدن و مدنیت نقشی اساسی دارد و از این‌رو، مورد توجه قرآن کریم به عنوان یکی از مولفه‌های فرامادی نهادهای تمدن‌ساز بوده است. قرآن کریم مسلمانان را به چنگ زدن به ریسمان الهی فراخوانده و آنان را از تفرقه و چند دستگی پرهیز می‌دهد (آل عمران: ۱۰۳)، به صلح و برادری دعوت (حجرات: ۱۰)؛ و از تنازع و اختلاف که مایه سستی و زوال شوکت جامعه اسلامی است، برحذر می‌دارد (انفال: ۴۶). چرا که اعتلا، اقتدار، سعادت و پیشرفت هر جامعه‌ای در سایه اتحاد و انسجام افراد آن به دست می‌آید و در نقطه مقابل، اختلاف و چند دستگی، اسباب عقب ماندگی و خواری و در نهایت، انحطاط و نابودی جامعه و تمدن آن را فراهم می‌سازد (تبریزی زاده اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۴۵-۱۴۳).

در روزگار رونق تمدن اسلامی، مهم‌ترین نقشی که اسلام در ایجاد تمدن و گسترش آن ایفا کرد، برقراری تفاهم، تعامل و سازش میان ملیت‌های مختلف از یک طرف و احتراز از تعصب، تفرقه و نژادپرستی میان فرق گوناگون از طرف دیگر بود. ارتباط، تبادل آرا و ترکیب که از عناصر مؤثر تمدن‌اند، مستحکم گردید و انسان‌ها از هر قومیت و نژاد، به جامعه‌ای هم‌جنس مبدل گردیدند که حول محور اسلام متمرکز بودند (یاریان، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

امروزه نیز اعتلای دانش و دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که همگی از ملزومات تمدن‌سازی هستند، ایجاب می‌کند فرهنگ جمعی و جامعه‌پذیری در جامعه نهادینه شود و برای پیشبرد امور؛ مشارکت، همکاری و مشورت ارزش‌های مقبول و رایج باشند. چرا که پیامد فرهنگ جمعی، هماهنگی و جلوگیری از پراکندگی و مانع هدر رفتن نیروها و امکانات جامعه است (محمدپور، ۱۳۹۴: ۵۰۲). علامه جعفری، انسجام

۱. خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.



اجتماعی و احساس وحدت در هویت انسان‌ها را اساسی‌ترین شرط به وجود آمدن يك تمدن انسانی و اعتلای آن می‌داند. زیرا در فرآیند شکل‌گیری هویت واحد برای يك اجتماع، هر فرد هویت اختصاصی خود را که متمایز با هویت‌های دیگر است، تقلیل می‌دهد؛ در نتیجه همه «من»ها به «من» قوی‌تر تعدیل می‌یابد و شخصیت واحدی برای اجتماع پدید می‌آید. این امر موجب برقراری انسجام و احساس تعلق جمعی در جامعه می‌گردد. نزاحم‌ها و اختلاف‌های ویرانگر منتفی می‌شود و عنصر اصلی تمدن را که تشکل انسان‌ها با روابط عالی است، ایجاد می‌کند و بستر مناسبی برای بروز استعداد‌های سازنده انسان‌ها فراهم می‌آورد (اسدیان شمس و نصری، ۱۳۹۸: ۲۵).

#### ۴-۲-۸. قانون‌مداری

وجود قانون در هر جامعه از ضروریات بقای آن جامعه است (محرمی، ۱۳۸۲: ۹۰). ارزش و اعتبار قانون و قانون‌مداری در آیات و آموزه‌های قرآنی در آن حد و اندازه است که خداوند پیامبرش را تهدید می‌کند، اگر برخلاف آموزه‌ها و قوانین آسمانی قرآن عمل کند، وی را به سختی مجازات خواهد کرد (بقره: ۱۲۰ و ۱۴۵؛ رعد: ۳۷).

تأکید فزاینده قرآن بر حکومت قانون، بیانگر آن است که دین اسلام دینی مبتنی بر قانون و قانون‌مداری است. پیامبر اکرم؟ در دوره سیزده ساله حکومت خود آن‌چنان بر قانون پافشرد که پس از آن شخصی از تربیت‌یافته‌گان مکتب قانون‌گرای ایشان در برابر یکی از خلفا قرار می‌گیرد و می‌گوید: اگر برخلاف قانون عمل کنی و از جاده حق و قانون پا کج گذاری با همین شمشیر راستت می‌کنیم (محمدی، ۱۴۰۰).

#### ۴-۲-۹. امنیت

امنیت یکی از اساسی‌ترین مسائل جامعه است و هر ملتی در حیات اجتماعی خود نیازمند به امنیت و آسایش است (پناهی، ۱۳۹۶: ۱۲). امید به زندگی، پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها اعم از پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و دستیابی به قله‌های صنعت و فناوری، در پرتوی امنیت میسر می‌شود (رجبی و عبدی، ۱۳۹۸: ۶۹). اگر در جامعه‌ای امنیت برقرار شود، آن جامعه از نظر اقتصادی نیز متحول شده، برکات و نعمت‌ها به سوی آن روانه می‌گردد (نحل: ۱۱۲)، (یاریان، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان و از عوامل مهم در زایش و اعتلای تمدن است (بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۰۰). ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد، زیرا تنها هنگامی از بین رفتن ترس است که کنجکاو و احتیاج به ابداع

و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد (دورانت، ۱۳۷۷). پیامبر اعظم<sup>ص</sup>؛ در سال سیزدهم بعثت به مدینه هجرت کرد، زیرا فضای مدینه و امنیت حاکم بر آن می‌توانست برای پیشبرد اسلام و تحکیم و تثبیت ارکان حاکمیت اسلامی و زمینه‌سازی برای تمدن اسلامی بسیار نافع باشد (بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

#### ۴-۲-۱۰. تولید فکر و نظریه‌پردازی

نظریه‌پردازی، به مثابه یکی از مهم‌ترین جلوه‌های معرفت بشری، از ارکان بسیار ارزشمند توسعه هر علم، و در نتیجه، رشد و توسعه هر کشور است (فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). بدون شک، بدون نظریه‌پردازی و تولید فکر، اساسا امکان حرکت نظام اسلامی به سمت تحقق جامعه اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی وجود ندارد. از این‌رو آیت‌الله خامنه‌ای، تولید فکر را در درجه اول تمدن‌سازی دانسته و برای آن نقشی حیاتی و تاریخ‌ساز قائلند (جهان‌بین، و معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۸). از نظر ایشان تمدن‌سازی بدون تولید فکر و تدوین مبانی معرفتی ناممکن است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر، یک ایدئولوژی و یک مکتب، نمی‌تواند تمدن‌سازی کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). باید تولید نظریه و فکر تبدیل به یک ارزش عمومی در دانشگاه شود و در قلمرو گوناگون عقل‌نظری و عملی، از نظریه‌سازان تقدیر به عمل آید، به نوآوران جایزه داده شود و سخنان‌شان شنیده شود، تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد، تشویق شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱). آموزه‌های اسلامی همواره از مسلمانان می‌خواهد به عیارسنجی و نقد نظریات و اندیشه‌های ارائه شده بپردازند: «کونوا نقاد الکلام»<sup>۱</sup> (مروتی، فتاحی و فریدونی و لاشجردی، ۱۳۹۲: ۶۴). در اسلام ارزش فکر و اندیشه آنچنان والا است که خداوند متعال می‌فرماید: «محققا در آفرینش حکیمانه آسمان‌ها و زمین و در رفت آمد حساب شده روز و شب، آیات و دلایلی برای صاحبان عقل است» (آل عمران: ۱۹۰).

#### ۴-۲-۱۱. نخبه‌پروری و بکارگیری نخبگان علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

پیشرفت همه جانبه یک ملت، با ظهور نخبگان در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پیوند ناگسستنی دارد. جامعه توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که بتواند نابغه‌های خلاق تربیت کرده و آنان را در خدمت برنامه‌ریزی و مدیریت کشور قرار دهد. اصولا گذر از بحران‌های بزرگی که در حوزه‌های گوناگونی چون سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و سلامت رخ می‌دهد، بدون بکارگیری نخبگان متخصص و متعهد هرگز میسر

۱. سخن‌سنج باشید.



نخواهد شد (کریمی و دیمه‌کارگراب، ۱۴۰۰). بقای یک نظام سیاسی - اجتماعی وابسته به انسان‌های کارآمد و فعال است (سلیمانی و منتظرالقائم، ۱۳۹۳: ۱۶). نمونه‌های قرآنی ذیل گواه بر این مدعاست:

الف. در سوره یوسف، سخن از بحران قحطی مصر به میان آمده که حضرت یوسف ع؛<sup>۱</sup> برای نجات مصر از این بحران خود را به پادشاه معرفی کرده و می‌گوید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)، عبارت «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» به خوبی حکایت از لزوم «تعهد» و «تخصص» در حوزه کاری و مسئولیت دارد.

ب. در سوره قصص نیز چنین آمده که دختر شعیب در پیشنهاد بکارگیری حضرت موسی ع؛<sup>۲</sup> به پدرش چنین می‌گوید: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (القصص: ۲۶) و دلیل این امر را توانمندی و امانت و تعهد وی دانسته است. بر این اساس حال که شبانی کردن و عهده‌دار شدن گله و زراعت و امور دیگر، مشروط به توانمندی، امانت و تعهد قرار گرفته است؛ عقل سلیم چنین حکم می‌کند که عهده‌دار شدن منصبی از مناصب حکومتی و اجرایی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که مصالح عموم مردم در میان است، به طریق اولی توانمندی، امانت و تعهد از شروط اساسی در آن حوزه کاری است (کریمی و دیمه‌کارگراب، ۱۴۰۰).

#### ۱۲-۲-۴. نظم و انضباط

در ادبیات و نظریات تمدنی، نظم به مثابه نوعی جامعه‌پذیری، ثبات سیاسی، خردپیشگی و کنترل خشونت در نظر گرفته شده است. جامعه‌ای که نظم و انضباط در آن نهادینه شده باشد، از لحاظ سیاسی، جامعه‌ای با ثبات خواهد بود و زمینه‌های زور و خشونت نیز در آن جامعه از بین خواهد رفت.

نظم تمدنی در سه سطح سیستمی، نهادی و کنشگران مطرح است. در نگرش سیستمی، نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی منظور می‌شود؛ در سطح نهادی، نظم در بازار، نظم در دولت، نظم در خانواده، و نظم در نهاد دین مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در سطح کنشگران، نظم کنشگران اقتصادی، کنشگران سیاسی و کنشگران اجتماعی و فرهنگی مد نظر است. نظم در مقیاس تمدن، هم نظامی انسانی است و هم نظامی جامع و هماهنگ میان نظام تشریح و نظام تکوین و هم نظامی است فراگیر و فراخ در زمان و مکان. نظم تشریح نه صرفاً ایجاد یک نظم قانونی محض، بلکه نظامی

۱. یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد.

هماهنگ با انسان و با هستی و قوانین و سنن هستی است. چنین نظمی برخاسته از حدود و اندازه‌های انسانی و عدالت در همه شیارهای زندگی است. نظم فراگیر، نظمی است کلان در مقیاس یک امت. واحدهای نظم در مقیاس یک امت، نظام‌های اجتماعی در جهان اسلام هستند. در این سطح از نظم و انضباط، شاید مشترکات معرفتی کمتر و شاید سطحی‌تر باشد، اما مشترکات معنوی و ایمانی در آن باید عمیق باشد تا بتواند یک امت را در مقیاس کلان به هم متصل کند. هر میزان معنویات و خیرات در جهان اسلام مترکم‌تر شود، انسانیت در ابعاد کلان آن رشد و توسعه می‌یابد و با رشد انسانیت و توسعه آن، نظم انسانی در مقیاس بزرگ انسانی شکل می‌گیرد. چنین نظم کلانی، متفاوت از نظم کلان در جامعه‌شناسی نظم خواهد بود که در آن کلان بودن نظم صرفاً برآمده از فلسفه مشترک، زبان مشترک، مرجع مشترک و هنجارهای اجتماعی مشترک انسانی ترسیم می‌شود و ابعاد معنوی انسان و فطرت تعالی‌جوی انسان با خدا در نظر نمی‌آید (بابایی، ۱۳۹۷: ۵۰ و ۶۰).

### ۴-۲-۱۳. استقامت اجتماعی

یکی دیگر از مولفه‌های تمدن‌سازی، پایداری در برابر مشکلات، صبر و مقاومت در مقابل دشمنان مستبد داخلی و مستکبران خارجی است. توکل بر خدا و صبر در راه او، جامعه را بیمه می‌کند و آخرت نیک نیز برای مؤمنان پایدار، تضمین است. چرا که صبر و ظفر هم‌زادند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup> (احقاف: ۱۳-۱۴) و هوشیاری و آماده باش برای مبارزه با دشمن و تجهیز همه‌جانبه برای دفاع از کیان اسلامی نسبت به تهدیدهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، فرمان الهی است. تا آنجا که می‌سور است تهیه نیرو و قدرت برای بازدارندگی باید در دستور کار تمدن‌سازان قرار گیرد (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۰۷) و راه هرگونه استیلا بر مؤمنان بسته شود، چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود. نه تنها از نظر منطق، بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و خلاصه از هیچ‌نظر بر افراد با ایمان، تسلطی قرار نداده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ۴: ۱۷۶). لذا استقامت و برخورد فعال با مشکلات، سختی‌ها و دشمنان، دستور خداوند است که رهبر و مردم به آن مامورند: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲)؛ (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

۱. کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. آنان اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند.



#### ۴-۲-۱۴. ارزشمند شمردن کار و تلاش در جامعه

بی‌شک، پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است (زمانی محبوب، ۱۳۹۶: ۱۴). خدای متعال عالم ماده را خلق نمود و سپس انسان را که دارای قوه عاقله است جهت بهره‌برداری این عالم ماده فرستاد تا انسان به کمک قوه عاقله خود بتواند، آنچه را در طبیعت لازم دارد به تصرف خود درآورد و نیازهای خود را از طبیعت برآورده نماید (صدری‌فر و مولوی، ۱۴۰۰: ۶۳). خداوند در قرآن می‌فرماید: «لِإِنْسَانٍ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹). یعنی برای انسان چیزی جز حاصل تلاش او نیست.

در فرهنگ اسلامی، کار و تلاش عبادت محسوب می‌شود و اسلام هرگز کار و تلاش را جدا از پرستش و عبادت نمی‌داند. خداوند در آیه ۱۰ سوره جمعه از مسلمانان می‌خواهد بعد از فراغت از نماز جمعه روی زمین پراکنده گشته و فضل خدا را جویا شوند: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> (جمعه: ۱۰). این اصل استثناپذیر نیست و شامل انبیا و اولیای الهی نیز می‌باشد. همان‌گونه که خداوند آهن را برای داود نرم ساخت (سبأ: ۱۰) و صنعت زره‌سازی را به او آموخت (انبیاء: ۸۰)، تا از آن طریق معاش خود و خانواده‌اش را تأمین کند. خداوند دوست دارد انسان از زحمت و دست‌رنج خود ارتزاق کند. از این‌رو از پیامبر ص: می‌خواهد که هر گاه از کار مهمی فارغ شد، به مهم دیگری بپردازد: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (شرح: ۷). به تعبیر دیگر هرگز بیکار نمان، تلاش و کوشش را کنار مگذار، پیوسته مشغول مجاهده باش و پایان مهمی را آغاز مهم دیگری قرار بده (زرسان و زنجانیور، ۱۳۹۸: ۸۵). زیرا اگر کار و تلاش در جامعه‌ای ارزش تلقی شود و بخش‌های اساسی جامعه به کار اشتغال داشته باشند، اقتصاد جامعه رشد کرده و شکوفا خواهد شد، تولید و درآمد ملی افزایش می‌یابد و اقتدار اقتصادی حاصل می‌شود؛ اقتدار اقتصادی زمینه‌ساز ایجاد تمدن خواهد بود. در مقابل، اگر کار در جامعه‌ای کم‌ارزش تلقی شد و افراد جامعه به جای تولید به سمت دلالی و شغل‌های کاذب و در امتداد آن سودهای بادآورده رفتند، توقع ایجاد تمدن از چنین جامعه‌ای مشکل خواهد بود (صدری‌فر و مولوی، ۱۴۰۰: ۶۳).

#### ۴-۲-۱۵. توسعه و رفاه عمومی

یکی دیگر از مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی، دستیابی به توسعه و رفاه عمومی است. زیرا رسیدن به اهداف متعالی که خداوند از خلقت انسان در نظر داشته است، هنگامی بهتر میسر خواهد شد که انسان به لحاظ نیازهای جسمانی و مادی، کمبودی نداشته

۱. بعد از پایان نماز جمعه در زمین پراکنده شوید و رزق خدا را طلب کنید.

باشد. خداوند در قرآن کریم فقر را باعث گرایش انسان به زشتی‌ها و انحراف از راه راست معرفی می‌نماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ» (بقره: ۲۶۸). از این رو نقدینگی و جمع شدن ثروت در دست یک گروه را منع کرده است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»<sup>۱</sup> (حشر: ۷). ثروت باید در گردش و جریان باشد تا فاصله طبقاتی ایجاد نشود، رونق اقتصادی ایجاد گردد و فقر از بین برود. از آیه ۷ سوره حشر چنین استنباط می‌شود که یکی از مولفه‌های تمدن‌سازی این است که اختلافات غیرعادلانه‌ای که در اثر بی‌عدالتی‌های اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف پیدا می‌شود، از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمی‌توانند نیازمندی‌های زندگی خود را بدون کمک دیگران رفع کنند، بالا بیاید. بدیهی است توسعه‌ای که منجر به فقرزدایی نگردد، قابل دوام نبوده و توسعه اسلامی نخواهد بود. در چنین جامعه‌ای اضطراب، بدبینی، دشمنی و جنگ، اجتناب‌ناپذیر است (زرسازان و زنجانیور، ۱۳۹۸: ۸۹).

#### ۴-۲-۱۶. مبادله معرفتی با دیگر جوامع و ملل

یکی دیگر از مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی را باید در تعارف و مبادله معرفتی امت اسلامی با سایر امت‌ها جستجو کرد. تعارف در لغت به معنای شناختن یکدیگرآمده است اما در حوزه تمدن‌سازی، نه محدود شدن به معنای لغوی است، بلکه به معنای مبادله معرفتی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳). مراد از تعارف در این جا را می‌توان مبادله معرفتی میان ملت‌ها دانست. لذا اگر جامعه اسلامی بتواند مبادله معرفتی با سایر جوامع داشته باشد و مقدمات چنین حرکتی را شکل دهد، ظهور و بروز آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی آشکار خواهد شد. بر همین اساس است که علامه طباطبایی می‌گوید: اگر از جمع انسان‌ها فاصله بگیریم، زمینه رشد بسیاری از استعدادهایمان را از دست می‌دهیم. چون این استعدادها از طریق اجتماع با انسان‌ها و تشکیل جامعه شکوفا می‌شود. تعارف و مبادله معرفت بین جوامع، بر پیشرفت هر یک از آنان کمک می‌نماید. بر این اساس، روایت معروف از پیامبر اکرم ص؟ که می‌فرماید: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ»<sup>۲</sup> معنا و مفهوم دیگری پیدا می‌کند (صدری‌فر و مولوی، ۱۴۰۰: ۶۳).

۱. آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش غنیمت داد، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.  
۲ دانش را فرا گیرید، گرچه در چین باشد، زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است.

#### ۴-۲-۱۷. نگرش توحیدی

حکمت زندگی آدمی، حیات ایمانی و زیست توحیدی است. ایمان به مبدأ حیات، ننگرگاه زندگی انسان و نقطه اتکا و عنصر روشنی‌بخش حیات آدمی است. بدون تعمیم ایمان توحیدی در جامعه، نمی‌توان بنای یک تمدن واقعی و ماندگار را پی‌ریزی کرد (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۳: ۶۸). ایمان باعث هماهنگی، همگرایی و یکدست شدن مسیرها و حرکت‌ها می‌شود و جامعه، وجودی یکپارچه می‌یابد؛ در نتیجه حرکت به سوی پیشرفت و توسعه میسر می‌گردد (تبریزی‌زاده اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۳۱). تمدن اسلامی، تحول و توسعه‌ای با رویکرد و جهت‌گیری معنوی است که بر تحول درونی و روانی انسان و آنگاه تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استوار است. از نگاه قرآن کریم و سیره نبوی، دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی، مستلزم غایت‌شناسی و هدف‌گزینی انسان‌هاست و مهم‌ترین غایت، مبدأ نخستین هستی است (رضازاده‌جودی و رضازاده‌جودی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

#### ۴-۲-۱۸. تساهل و مدارا

آمادگی برای پذیرش افکار تازه و عناصر فرهنگی دیگران و مطابق ساختن آن با روح توحیدی اسلام از دیگر مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی است. آنچه تمدن اسلامی را به پیشرفت رساند همان تسامح، تساهل و توجه به تمام جنبه‌های مادی و معنوی بشر بود (محسنی ۱۳۹۸: ۸۰). اسلام با آزاداندیشی و به دور از تعصبات قومی و قبیله‌ای، با ابزار کارآمد مدارا، همه را تحت یک لوا گرد آورد و جامعه را به اعتدالی همه‌گیر رهنمون ساخت و با ارائه راه وسط و اعتدال «جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳)، موجب گسترش دانش‌ها، فنون و صنایع بشری شد (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۱).

پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مرور نظام‌مند پژوهش‌های انجام شده در حوزه تمدن‌سازی اسلامی انجام شده است. روش مرور نظام‌مند در این پژوهش این امکان را بوجود آورده است که با ادغام و ترکیب مولفه‌های پژوهش‌های پیشین و ادبیات موضوع در این زمینه، به بینشی جدید و جامع دست یابیم.

نتایج حاصل از مرور نظام‌مند حاضر حاکی از آن است که مولفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در آیات قرآن، در دو حوزه قابل دسته‌بندی هستند: ۱- نظام‌سازی ۲- زیرنظام‌های تمدنی و توانمندسازی نخبگانی و جامعه. اولین مولفه‌ای که در حوزه نظام‌سازی باید مدنظر قرار گیرد، شکل‌گیری دولت مقتدر و باکفایت اسلامی است. دولت مقتدر کارآمد با استفاده مناسب و بهینه از امکانات، مسیر تعالی و بالندگی را هموار می‌کند و سبب ایجاد فضای امن و مناسب برای شکل‌گیری و اعتلای تمدن نوین اسلامی می‌شود. دومین مولفه، شکل‌گیری جامعه فرهیخته، توانمند، کارآفرین، خلاق، نوآور، دانایی‌محور و الگو در سطح و تراز جهانی است. جامعه‌ای که در آن بر اساس آموزه‌های قرآنی، دانش و نوآوری به عنوان منبع و سرمایه اساسی و دانشگران محور اصلی آن خواهند بود. در این جامعه نخبگان علوم مختلف شناسایی و جذب می‌شوند و فضای لازم برای پرورش افراد و خلق دانش فراهم است. مولفه سوم، شکل‌گیری نظام اقتصادی رشد یافته و بالنده است. تمدن بدون داشتن پول و قدرت اقتصادی، ساخته نمی‌شود. تمدن دستاورد دوران رونق و شکوفایی اقتصادی است. مولفه چهارم، شکل‌گیری نظام فرهنگی مطلوب است؛ زیرا زیربنای همه تمدن‌ها، ساختارهای فرهنگی است. تمدن از دل فرهنگ جوشش می‌کند و رشد و نمو می‌یابد.

این نظام‌ها بر پایه یک‌سری مبانی فکری و ارزشی شکل می‌گیرند و تا در جامعه، ساری و جاری نشوند و در عرصه بیرون عینیت پیدا نکنند، تمدنی شکل نمی‌گیرد. وقتی می‌توان در اندیشه یک جامعه‌ی آرمانی و تمدن‌ساز بود که تک‌تک اعضای آن جامعه احساس کنند در حق آنان ظلمی نشده است و به جایگاه و حقوقی رسیده‌اند که شایسته آن بودند. افراد و نخبگان، آزادانه افکار و اندیشه خود را بیان کنند و آرای دیگران را نقد نمایند. چراکه آزادی و آزاداندیشی عنصری مهم در رشد و شکوفایی استعدادها و فکری و خلاقیت‌های ذهنی افراد و زمینه‌ساز تولید فکر و نظریه‌پردازی است. بدون شک، بدون نظریه‌پردازی و تولید فکر، اساساً امکان حرکت نظام اسلامی به سمت تحقق جامعه



اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی وجود ندارد. جامعه‌ای می‌تواند تمدن‌ساز باشد که در آن ارزش‌های اخلاقی، نگرش توحیدی، عقلانیت و خردورزی، قانون و امنیت حاکم باشد و نظم، انضباط و خودباوری در جامعه نهادینه شده باشد. نخبگان در رأس امور باشند و تمام فعالیت‌ها بر مبنای اصول علمی صورت گیرد و تولید علم در مراکز علمی جریان داشته باشد. با تساهل و مدارا زمینه‌ی وحدت و انسجام جامعه فراهم گردد و کار و تلاش در جامعه ارزش محسوب شود. اعضای جامعه از رفاه و آسایش برخوردار باشند و با آینده‌نگری و دوراندیشی، با سایر ملل مرابده علمی و معرفتی وجود داشته باشد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که در این پژوهش محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. گرچه برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های منتخب از ابزار برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی (CASP)) استفاده شده است؛ اما این محدودیت وجود دارد که پژوهشی به اشتباه وارد پژوهش شده یا خارج شده باشد. علاوه بر آن در پژوهش حاضر فقط پژوهش‌های دهه نود مورد بررسی قرار گرفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

- قرآن کریم.
- آدمی ابرقویی، علی. (۱۳۸۷). درآمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، *بایسته‌های نظری*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم؛ تحقیقات و فناوری.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی عقلانیت، *قیسات*، (۱)، ۳۹-۵۴.
- اسدیان شمس، علی و نصری، عبدالله. (۱۳۹۸). عوامل انگیزشی وحدت‌بخش برای رسیدن به یکپارچگی ایده‌آل در تمدن از دیدگاه علامه جعفری. *فلسفه و الاهیات*، ۲۴(۳)، ۳۰-۶۰.
- اکبری، مرتضی و رضائی، فریدون. (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله). *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۸.
- اردکانی، سعید، موسوی، محمد، انوری علی‌آباد، محمدطه و خدایاریان، مسعود رضا. (۱۳۹۲). تحلیلی بر عوامل مؤثر در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز با استفاده از تکنیک دیماتل فازی. *فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۲(۱)، ۷۱-۸۶.
- الویری، محسن و مهدی‌نژاد، سید رضا. (۱۳۹۲). رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی. *تاریخ و تمدن اسلامی*، ۹(۱۸)، ۱۹۱-۱۶۳.
- بسطامی، بهزاد و حسینی، زینب‌السادات. (۱۳۹۸). مولفه‌های بسترساز جامعه آرمانی و تمدن‌ساز با تأکید بر نقش تربیتی نخبگان از منظر قرآن کریم. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۴(۱)، ۷۱-۸۸.
- بهشتی، محمد. (۱۳۹۷). نگاهی روان‌شناختی - اجتماعی به باورهای تمدن‌ساز امام خمینی (قدس سره). *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۲(۲۲)، ۹۳-۱۱۴.
- بابائی، حبیب‌الله. (۱۳۹۷). ماهیت نظم تمدنی در اسلام. *مطالعات راهبردی ناجا*، ۳(۱۰)، ۶۳-۴۷.
- بهنیافر، احمدرضا. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه تولید علم در جهان امروز. *پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)*، ۴(۱۳)، ۱۷۳-۲۰۱.
- پیروزمند، علیرضا و خورشیدی، محمد. (۱۳۹۸). مولفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی). *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۲(۱)، ۳۵۲-۳۲۹.
- پناهی، اسماء. (۱۳۹۶). *مفهوم‌شناسی تمدن اسلامی و شاخصه‌های آن. مقاله ارائه شده به اولین همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان‌شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد*. جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی.
- تبریزی‌زاده اصفهانی، راضیه. (۱۳۹۹). مولفه‌های فرامادی تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم. *قرآن، فرهنگ و تمدن*، ۲(۲)، ۱۵۰-۱۲۷.
- تقی‌نیا، الهام، صوفی، نصیرعلی و رستمی، فرشته. (۱۳۹۳). شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۰(۱۰۲)، ۳-۲۲.
- جهان‌بین، فرزاد و معینی‌پور، مسعود. (۱۳۹۳). فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۹، ۲۹-۴۶.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا. (۱۳۹۲). نظریه دولت و تمدن. *مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، جلد اول، تهران: دبیرخانه کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۶۲-۵۷.
- جان‌احمدی، فاطمه. (۱۳۹۱). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نشر معارف
- جعفری، علامه محمدتقی. (۱۳۷۳). *فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو*، جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



- ----- (۱۳۹۰). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، جلد ۵، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار.
- خزاعی، علی، خسروی، محمدرضا، رجبی دوانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). مولفه‌های نیل به تمدن نوین اسلامی در آثار و اندیشه امامین انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۷(۹۲)، ۲۹-۵۲.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱). خطبه‌های نماز جمعه تهران (۱۳۹۱/۷/۲۳). <https://khamenei.ir>.
- ----- (۱۳۸۴). دیدار با مردم کرمان (۱۳۸۴/۲/۱۲). <https://khamenei.ir>.
- ----- (۱۳۸۵). دیدار با نخبگان جوان (۱۳۸۵/۶/۲۵). <https://khamenei.ir>.
- ----- (۱۳۸۱). پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی (۱۳۸۱/۱۱/۱۶). <https://khamenei.ir>.
- خرمشاد، محمدباقر و آدمی، علی. (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز. *تحقیقات فرهنگی*، ۲(۶)، ۱۸۸-۱۶۱.
- خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی. *راهبرد فرهنگ*، ۲۳(۶)، ۱۲۷-۱۵۳.
- دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۷۷). *تاریخ تمدن*، جلد ۵، (ترجمه احمد آرام و دیگران). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضایان، مهدی. (۱۴۰۱/۳/۱۷). نقش رسانه در اعتماد به نفس ملی. <https://vista.ir/article/۳۳۸۳۵۱>.
- رحمدل، ناصر و کشتکار، مهران. (۱۴۰۰). الگوی جامعه دانش‌بنیان در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱۲(۴۵)، ۲۸۸-۲۶۹.
- رجبی، هادی و عبدی، خداکرم. (۱۳۹۸). شاخص‌های امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۶(۵۰)، ۶۹-۹۳.
- رادمهر، محسن، رشیدی آل‌هاشم، سیدمحمدرضا، هادی طحان، محسن و رنجبر، غلامعلی. (۱۳۹۸). واکاوی شاخص‌ها، ویژگی‌ها و بایسته‌های جوانان تمدن‌ساز در تراز نظام انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی). *دوفصلنامه علمی پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی*، ۹(۱۹)، ۲۰۹-۱۶۹.
- رضازاده جودی، مهدی و رضازاده جودی، محمدکاظم. (۱۳۹۴). الگوی تمدنی اسلام در سیره نبوی با تکیه بر آیات قرآن کریم. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۶(۲۰)، ۱۸۹-۱۶۶.
- رحیمی، غلامحسین. (۱۳۹۳). سنت علمی در تمدن اسلامی. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۵(۱۴)، ۷۱-۹۴.
- زرسازان، عاطفه و زنجانی‌پور، آمنه. (۱۳۹۸). مبانی و شاخصه‌های توسعه از منظر قرآن کریم. *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)*، ۱۵(۵۲)، ۷۸-۹۴.
- زمانی محبوب، حبیب. (۱۳۹۰). نوسازی تمدن اسلامی. تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱(۱)، ۱۱۷-۱۳۵.
- ----- (۱۳۹۶). مولفه‌ها و شاخص‌های تمدن اسلامی. *مقاله ارائه شده به اولین همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان‌شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد*. جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی.
- سلیمانی، زهرا و منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۹۳). تمدن‌سازی انبیای ابراهیمی؛ مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی (با تأکید بر حکومت حضرت یوسف؛ ع). *معرفت ادیان*، ۵(۲)، ۸-۲۲.
- سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۹۳). شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم.

آموزه‌های قرآن کریم. ۱۱ (۱۹)، ۶۱-۸۲.

- سعیدی‌نیا، حبیب اله. (۱۳۹۰). علل افول علمی تمدن اسلامی. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، (۲)، ۱۱۸-۹۳.
- سجادی، سید ابراهیم. (۱۳۸۷). قرآن، حکومت و توسعه فرهنگ. *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۴ (۵۴-۵۵) ۸۶-۱۴۱.
- شفیعی دارابی، سیدمحمد و باقریان، زهره. (۱۴۰۰). ویژگی‌های انسان تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم. *قرآن، فرهنگ و تمدن*، (۳)، ۷۹-۶۲.
- صدری‌فر، نبی‌اله و مولوی، محمد. (۱۴۰۰). مقدمات و الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی. *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، (۲)، ۴۷-۶۷.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- عینی‌زاده، محمد و مودب، سیدرضا. (۱۳۹۶). نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۱ (۱)، ۱۷۵-۱۵۳.
- عالی‌زاده، اسماعیل و جنگ، عباس. (۱۳۹۶). صورت‌بندی مفهومی استقلال دانشگاه؛ رهیافتی مبتنی بر جامعه‌شناسی معرفت. *مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها چالش‌ها و راهبردها*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۰۹-۱۲۸.
- عبدخدایی، مجتبی. (۱۳۹۳). دولت مدرن، دولت تمدنی. *نقد و نظر*، (۷۵)، ۱۲۲-۹۷.
- غفاری هاشجین، زاهد و ناصرخاکی، حسن. (۱۳۹۵). زمینه‌ها و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان. *علوم سیاسی (باقرالعلوم)*، (۷۵)، ۱۲۳-۱۵۰.
- فرزندوحی، جمال و احمدی، فاطمه. (۱۳۹۹). شاخصه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی در آیات و روایات. *تمدن اسلامی و دین پژوهی*، (۵)، ۹۸-۱۱۳.
- فرزانه، محمد باقر، خیاط، علی و صفیپور، هادی. (۱۳۹۷). تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، (۱۸)، ۱۷۷-۲۰۵.
- فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۹۵). *الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی*. *مطالعات ملی*، (۶۷)، ۱۰۲-۸۳.
- فریدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی. *مجموعه مقالات اولین همایش ملی تمدن نوین اسلامی*. تهران: انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۴۶-۱۴۴.
- فاطمی، جمیله. (۱۳۹۳). تحلیلی بر میزان اثربخشی معرفت و مهارت منطقی در توسعه نظریه‌پردازی و تولید علم. *اندیشه دینی*، (۵۰)، ۱۱۵-۱۳۲.
- صنم‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۲). تمدن اسلامی ایرانی در بستر الگوی بومی پیشرفت، بایسته‌های احیاء و عملیاتی‌سازی. *مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، جلد اول، تهران: دبیرخانه کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۴۳۷-۴۱۳.
- فوزی، یحیی و صنم‌زاده، محمود رضا. (۱۳۹۱). *تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی؟ ره؟ تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی*، (۹)، ۷-۴۰.
- فرجی ارمکی، اکبر. (۱۳۸۶). رسالت و نقش دانشگاه اسلامی در تمدن‌سازی و تولید علم دینی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، (۴)، ۸۰-۶۴.
- کشاورز ترک، عین‌الله و تسنیمی، مجتبی (۱۳۹۷). مولفه‌ها و پیش‌رآن‌های آینده‌نگاری تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر امام خمینی؟ *مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی*. جلد اول، تهران: دانشگاه شاهد.





- کریمی، محمد (۱۴۰۰/۱۱/۲۰). *خودباوری فرهنگی در سیره و اندیشه امام خمینی؟ ره‌راهبردها و راهکارها*. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n144326>
- کزازی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). نقش انجمن‌های علمی در استقلال دانشگاه‌ها. *مجموعه مقالات همایش ملی استقلال دانشگاه‌ها چالش‌ها و راهبردها*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. ۲۴۳-۲۷۱.
- کریمی، محمود و دیمه‌کارگراب، محسن. (۱۴۰۰/۱۰/۲۵). *اصول تمدن‌سازی نوین اسلامی*. <https://farhangeeslami.com>
- گلابی، مجتبی؛ عسگری، پرویز و شکوه‌فر، علیرضا. (۱۳۸۳). بررسی اهمیت و ضرورت آزاداندیشی از دیدگاه قرآن و روایات. *مجموعه مقالات همایش نهضت تولید علم، جنبش نرم‌افزاری و آزاداندیشی منطقه شش دانشگاه آزاد اسلامی*. استهبان: سخن گستر.
- لاجوردی، سیدشهاب و معینی‌پور، مسعود. (۱۳۹۹). جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای. *سیاست متعالیه*، ۸ (۲۴)، ۵۳-۷۰.
- لوکاس، هنری. (۱۳۸۴). *تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما*، جلد ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ ششم. تهران: سخن.
- مهرآور گیگلو، شهرام. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های دانشگاه تمدن‌ساز ایرانی-اسلامی: یک مطالعه فرا ترکیب. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۵ (۸۶)، ۱۳۲-۱۵۳.
- محسنی، طاهره. (۱۳۹۸). الزامات قرآنی تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. *مطالعات میان‌رشته‌ای تفسیر و کلام کوثر*، ۲ (۳)، ۷۹-۱۰۰.
- منتظرالقائم، اصغر و سلیمانی، زهرا. (۱۳۹۴). *نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی*. قم: دفتر نشر معارف
- مروتی، سهراب؛ فتاحی، امیر و فریدونی ولاشجردی، اکرم. (۱۳۹۲). شاخص‌های چشم‌انداز دانشگاه اسلامی از منظر قرآن و حدیث. *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، ۴ (۱۳)، ۵۷-۸۲.
- میرمحمدی، سید ضیاء‌الدین و بارانی، محمدرضا. (۱۳۹۱). درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان. *تاریخ اسلام*، ۱۳ (۵۰)، ۴۶-۶۰.
- ملبوس‌باف، رامین و عزیزی، فریدون. (۱۳۸۹). مرور نظام‌مند چیست و چگونه نگاشته می‌شود؟ *مجله پژوهشی دانشکده پزشکی*، ۳۴ (۳)، ۲۰۷-۲۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. جلد ۴، چاپ ۳۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ..... (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. جلد ۱، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
- محمدپور، محسن. (۱۳۹۴). نقش تولید علم در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با محوریت مکتب اهل بیت؟ *مجموعه مقالات نخستین همایش اهل‌البیت؟ عهیم؟ و تولید علم*، ۵۰۶-۴۴۳.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۶). *میزان الحکم*. ج ۸، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث
- محمدی، امیر. (۱۴۰۰/۱۰/۲۰). *توسعه فرهنگی در آموزه‌های قرآنی*. <https://rasekhoon.net/article/107727/show>
- مظفری، آیت. (۱۳۸۵). شاخص‌های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم؟ *مربیان*، ۶ (۲۱)، ۹۵-۱۱۱.
- محرمی، غلامحسین. (۱۳۸۲). نقش انبیا در پیشرفت تمدن بشری. *صباح*، شماره ۹، ۸۷-۹۵.
- نجفی، موسی و یوسفی، بتول. (۱۳۹۷). نسبت نظام مردم‌سالاری دینی با تمدن غرب (تمدن موجود) و تمدن مهدوی (تمدن موعود). *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱ (۱)، ۱-۱۹.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۸). *بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، جلد ۱، چاپ سوم. تهران: وزارت

امور خارجه.

- وحیدی‌منش، حمزه‌علی. (۱۳۸۶). *عناصر تمدن‌ساز دین اسلام*. معرفت، شماره ۱۲۳، ۳۴-۱۵.
- یاقوتی، ابراهیم. (۱۳۹۸). مولفه‌ها و راهکارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه های امام خمینی و مقام معظم رهبری. *شاهد اندیشه*، (۱)، ۱۰۷-۱۳۸.
- یاریان، مجید. (۱۳۸۷). *دین و تمدن*. پژوهشنامه تاریخی انقلاب اسلامی. ۷(۱۴)، ۱۰۱-۱۲۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی